



تاریخ نگاری زنان

در گفت و گو با:

◀ دکتر منصوره اتحادیه؛

استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه تهران

◀ دکتر سیمین فصیحی؛

استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا

◀ دکتر مریم عاملی رضایی؛

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی

دکتر اتحادیه: زنان همیشه در تاریخ حضور داشته‌اند؛ ولی این حضور پنهان بوده است. گرچه زندگی زنان به محیط خانه یا حرم‌سرا وابسته و محدود بود، ولی همیشه در جامعه حضور داشتند.

کتاب ماه: بسم‌الله الرحمن الرحیم. در این شماره‌ی کتاب‌ماه نیز، به روال شماره‌های اخیر به موضوع خاصی می‌پردازیم. بحث امروز در مورد تاریخ‌نگاری زنان است. از نقش زنان در زندگی روزمره و فعالیت‌های اجتماعی، اثر چندانی در مکتوبات تاریخی باقی نیست. اما ایشان به عنوان نیمی از جامعه‌ی انسانی، اگرچه در جامعه حضور فعال نداشته‌اند و همیشه خاموش بوده‌اند، ولی به گاه جنبش‌های اجتماعی، همیشه در عرصه بوده‌اند و فعال عمل کرده‌اند. شاید هم متون گذشته‌ی ما نیاز به بازخوانی با رویکردی جدید به زن دارند. زنانی که در رویدادهای مهم تاریخی دوره‌ی معاصر، مانند واقعه‌ی رژی، انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی و رویدادهای مهم اجتماعی دخیل بوده‌اند. در بحث امروز بیشتر به تاریخ زنان در دوره‌ی مشروطیت و پهلوی اول می‌پردازیم. ابتدا از خانم دکتر اتحادیه خواهش می‌کنم، باب بحث را باز کنند.

تاریخی پذیرفته‌اند، موضوع تاریخ‌نگاری است. زمانی که زنان را موضوع تاریخ قرار می‌دهیم، از تاریخ‌نگاری زنان صحبت می‌کنیم. حال ببینیم ویژگی‌های تاریخ‌نگاری زنان چیست و وجه تمایز آن با تاریخ‌نگاری‌های دیگر چیست؟ و در هنگام پرداختن به موضوع زنان چه مسائلی باید مطرح شود؟ طبعاً یکی از این مسائل، جنبش‌های زنان و نیز جنبش‌های اجتماعی است و این که زنان چه نقشی در این جنبش‌ها داشته‌اند و منابع تاریخی چه نگاهی به این مقوله داشته‌اند؟

دکتر اتحادیه: بسم‌الله الرحمن الرحیم. زنان همیشه در تاریخ حضور داشته‌اند؛ ولی این حضور پنهان بوده است. گرچه زندگی زنان به محیط خانه یا حرم‌سرا وابسته و محدود بود، ولی آن‌ها همیشه در جامعه حضور داشتند و به بعضی امور هم می‌پرداختند. به عنوان مثال، مامایی همیشه بر عهده‌ی زنان بوده است. زنان اولین طبیب‌ها بوده‌اند، داروهای گیاهی را می‌شناخته‌اند و برای افراد خانواده‌ی خود تجویز می‌کرده‌اند. در صنایع دستی و مشاغل مانند قالی‌بافی، انواع سوزن‌دوزی‌های سنتی یا پارچه‌بافی زنان نقش عمده‌ای داشته‌اند. در کشاورزی، رنگرزی سهم و نقش به‌سزایی داشته‌اند. حتی زنان شاعر و نویسنده هم داشته‌ایم. بنابراین کاملاً می‌توان از تاریخ و تاریخ‌نگاری زنان سخن گفت. ولی متأسفانه منابع ما در این مورد محدود است.

برای این که ویژگی‌های این تاریخ‌نگاری را بشناسیم، بایستی ابتدا به عنوان مقدمه، اشاره‌ای به جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در قرون معاصر داشته باشیم تا از طریق آن، مقام، موقع و اصول تاریخ‌نگاری زنان در جهان تاریخ‌نگاری را شناسایی کنیم. در قرن نوزدهم، دو جریان عمده در تاریخ‌نگاری داریم. یکی تاریخ‌نگاری سیاسی فون‌رانکه، که به نخبگان سیاسی و فعالیت‌های سیاسی توجه دارد و دیگری تاریخ‌نگاری فرهنگی یا کوب بورکهارت، که خود شاگرد فون‌رانکه بوده است. اما تحت تأثیر دوست آلمانی خود نیچه، به مطالعه تاریخی - فلسفی فرهنگ و هنر توجه می‌کند. یعنی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری فرهنگی را در قرن نوزدهم، بورکهارت پایه‌گذاری می‌کند. پس از آن و در قرن بیستم، تاریخ‌نگاری آنال پدید می‌آید که به‌طور عمده به تاریخ اجتماعی توجه دارد و از دیگر علوم انسانی برای بازسازی و نوشتن تاریخ کمک می‌گیرد. توجه به تاریخ اجتماعی، مفاهیم دیگری را در تاریخ‌نگاری شکل می‌دهد و مفهوم تاریخ از پایین را به وجود می‌آورد. اصطلاح تاریخ از پایین، فرمی از روایت تاریخی است که، روی نظرگاه‌های افراد معمولی جامعه از قبیل زنان و طبقه‌ی کارگر، که قبلاً از نظر تاریخی فاقد اهمیت محسوب می‌شدند، تمرکز می‌کند. بنابراین تاریخ‌نگاری زنان از درون تاریخ اجتماعی و تاریخ از پایین بیرون آمده است، ولی ویژگی ممتاز آن تأکید بر مسأله‌ی جنسیت

کتاب ماه: خانم دکتر فصیحی، بفرمایید اگر زنان موضوع علم تاریخ قرار گیرند، در کجای تاریخ‌نگاری ما قرار خواهند گرفت؟ و آیا تاریخ‌نگاری زنان با تاریخ‌نگاری اجتماعی، که آن هم مبحثی جدید در تاریخ‌نگاری است، هم‌پوشانی و همخوانی دارد یا مقوله‌ای جداسست؟ و اصولاً تاریخ‌نگاری زنان چه شیوه‌ها و روش‌هایی را می‌طلبد؟

دکتر فصیحی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. تاریخ‌نگاری زنان شعبه تازه‌یابی است در تاریخ‌نگاری که می‌توان آن را در ذیل تاریخ اجتماعی و زیرمجموعه‌ی آن یعنی «تاریخ از پایین» قرار دارد. تاریخ‌نگاری به طور عام، در حقیقت مطالعه‌ی روش‌هایی است که مورخان با آن تاریخ را نوشته‌اند. این که مورخان چه موضوعاتی را بررسی کرده‌اند و چه چیزی را به عنوان عینیت

است. ادعای تاریخ‌نگاری زنان این است که زنان در تاریخ به یک نوع فراموشی جمعی سپرده شده‌اند و یا تاریخ آن‌ها، در ذیل شرح کلی زندگی مردان گنجانده شده است، چرا که موضوع مهم تاریخ همواره مردان بوده‌اند. بنابراین در تاریخ‌نگاری زنان، زنان به عنوان موضوع تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرند و همه‌ی مسائل زنان که مورد غفلت قرار گرفته است، در این تاریخ‌نگاری مطرح می‌شود. جنبش‌های زنان نیز یکی از این مسائل است. زنان همیشه در تاریخ نقش فعال داشته‌اند؛ اما این نقش در تاریخ‌نگاری‌های سنتی دیده نشده است. مثلاً در مورد ایران، از دوران باستان تا دوره‌ی معاصر، نقش زن در عرصه‌ی اجتماع، ولو اندک و محدود، دیده می‌شود. از دوران مدرن تاریخ ما، یعنی از قاجاریه به بعد، زنان به صورت جریان‌وار در تاریخ دیده می‌شوند. یعنی با حضور در جنبش‌های اجتماعی حضور خود را اثبات می‌کنند. بزرگ‌ترین تجلی این حضور را قبل از مشروطیت، در جنبش تنباکو می‌بینیم، بعد در جنبش مشروطیت. بنابراین زنان ما، در طول تاریخ، ابتدا در جنبش‌های اجتماعی و ملی حضور و نقش یافته‌اند و سپس، این جنبش‌ها با آگاهی زنانه و فمینیستی پیوند خورده است. یعنی با حضور در جنبش‌های ملی و عرصه‌ی اجتماعی به حقوق و نقش خود نیز آگاهی پیدا کردند و سپس به مطالبات خاص زنان و یا حقوق خود می‌پردازند و جنبش حقوق زنان را در ایران شکل می‌دهند. اما دوره‌ی رضاشاه، به علت حضور و نفوذ دولت در فعالیت‌های زنانه و جنبش‌های زنان، دوره‌ی پایان جنبش‌های مستقل زنان است. دولت خود وارد حوزه‌ی زنان می‌شود و اصلاحاتی در حقوق زنان انجام می‌دهد، ولی این امر جنبش نیست.

کتاب ماه: آیا می‌توان واقعاً از این فعالیت‌های زنان به عنوان جنبش‌هایی با تشکل و سازماندهی مشخص که افرادی را با مطالبات خاص گرد می‌آورد، سخن گفت؟

دکتر فصیحی: تاریخ‌نگاری زنان شعبه تازه‌یابی است در تاریخ‌نگاری که می‌توان آن را در ذیل تاریخ اجتماعی و زیرمجموعه‌ی آن یعنی «تاریخ از پایین» قرار دارد.

دکتر فصیحی: این فعالیت‌ها در شکل اولیه‌ی خود در ذیل جنبش‌های ملی قرار می‌گیرد یعنی یک خرده‌جنبش که با جنبش عمومی همکاری می‌کرد. در این مقطع زنان مطالباتی خاص خود ندارند. مبارزه ملی با استعمار و برای استقلال وطن است. در این‌جا می‌توان گفت یک مشارکت اجتماعی انجام می‌دهند و نه یک جنبش برای حقوق زنان.

دکتر اتحادیه: زنان می‌دانستند و متوجه بودند که در اجتماع آن زمان برخی مسائل را نمی‌توانند مطرح کنند. نه این که آگاه نبودند، ولی می‌دانستند که در جامعه‌ی سنتی آن روزگار مطرح کردن این مسائل زود است.

کتاب ماه: به همین علت سؤال من این است که آیا می‌توان به این فعالیت‌ها نام جنبش داد؟ به هر حال جنبش مشخصات ویژه‌ای دارد. آیا این فعالیت‌ها این مشخصات را دارند؟

دکتر اتحادیه: بله زنان پس از مشروطیت، برای خود گروه‌ها و انجمن‌هایی تشکیل داده‌اند. انجمن‌هایی از سوی زنان در تهران و تبریز تشکیل شدند، البته تعدادشان بسیار کم بود و ارتباطات گسترده‌ای با شهرهای دیگر مانند اصفهان داشتند. ولی تشکل سازمان یافته نداشتند.

دکتر فصیحی: برای این که بدانیم جنبش زنان ایران ذیل جنبش‌های اجتماعی قرار می‌گیرد یا نه باید ابتدا ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی را بدانیم. طبق تعاریف جامعه‌شناسان در یک جنبش اجتماعی باید: ۱- گروهی باشند که از نظم موجود اجتماعی ناراضی هستند؛ ۲- قصد تغییر نظم اجتماعی را داشته باشند؛ ۳- برای دستیابی به این تغییرات فعالیت مستمر داشته باشند؛ ۴- علیه این فعالیت‌ها، مخالفت‌هایی از سوی اجتماع صورت گیرد؛ ۵- ساختاری تقریباً سازمان‌دهی شده و هدفمند داشته باشند و ۶- ایدئولوژی، تعهد و درک مشترکی از اهداف این فعالیت در همه‌ی اعضا وجود داشته باشد.

در جنبش‌های زنان ایران، از مشروطیت تا سال ۱۳۱۱، چند ویژگی اول دیده می‌شود. یعنی مبارزه برای تغییر نظم اجتماعی و آگاهی وجود دارد، مخالفت‌هایی هم با آن‌ها می‌شود، فعالیت‌های مستمر هم در قالب انجمن، تأسیس مدارس و انتشار روزنامه داشته‌اند؛ اما ساختار هدفمند و سازمان‌دهی و تشکیلات مشخص نداشته‌اند. هم‌چنین در این جنبش‌ها، ایدئولوژی مشخص وجود نداشت. ما در حرکت‌های زنان رهبر زیاد داریم، ولی سازمان‌دهی نه. کسی که شاید بتوان به او نام سازمان‌دهنده داد، محترم اسکندری رهبر جمعیت نسوان وطن خواه است. که تظاهرات و

دکتر عاملی: باید شرایط آن زمان را درک کرد.

تا قبل از مشروطیت، حیطة زنان فقط

حیطة خصوصی و محیط خانه و محافل زنانه است.

نوشته‌های زنان در این دوران نشان از همین موضوع دارد.

هم نتوانستند به مطالبات خود دست پیدا کنند.

دکتر فصیحی: از زمانی که زنان وارد حرکت‌ها و جنبش‌های ملی می‌شوند، تا زمانی که جنبش خاص زنان را شکل دهند، سطح آگاهی متفاوتی دارند. اما از دوره‌ای که دست به انتشار روزنامه زدند، می‌توان گفت در حوزه طرح حقوق زنان به آگاهی رسیده بودند. در این روزنامه‌ها زبان زنان، سیاسی و یا دارای مطالبات اجتماعی خاص زنان شده است. ولی این امر هم محدود به چند زن روشنفکر و باسواد است و به توده‌ها تسری پیدا نمی‌کند. چون زنان عموماً بی‌سواد هستند.

دکتر عاملی: باید شرایط آن زمان را درک کرد. تا قبل از مشروطیت، حیطة زنان فقط حیطة خصوصی و محیط خانه و محافل زنانه است. نوشته‌های زنان در این دوران نشان از همین موضوع دارد. تا این زمان، مخاطب منابع نیستند، برای کسی نمی‌نویسند و یا نوشته‌ای به نثر ندارند. از زنان شعرهای زیادی در دست است، ولی به جز تعداد اندکی رساله‌های فقهی و دینی، نوشته‌ای به نثر از آنان دیده نمی‌شود. اولین نوشته‌های زنان در دوره ناصرالدین شاه در قالب نامه و سه سفرنامه و یک رساله‌ی انتقادی - اجتماعی دیده شده است. و البته این نوشته‌ها بیشتر شرح احوال خصوصی ایشان است و از زنان درباری باسواد. این نوشته‌ها برای مخاطب یا خواننده شدن نوشته نشده، و بیشتر جنبه‌ی خصوصی دارد. حتی رساله‌ی اجتماعی - انتقادی *معایب الرجال* که از سوی **بی‌بی خانم استرآبادی** در جواب به رساله‌ی *تأدیب النساء* نوشته شده، به گفته‌ی نویسنده، برای زنان هم‌عصر خود او نوشته شده بود و در محافل خصوصی زنانه قرائت می‌شد.

اولین بار زنان با نامه‌هایی که به روزنامه‌های مشروطه‌خواه می‌نویسند، وارد حیطة عمومی می‌شوند. نوشتن ایشان تقریباً هم‌زمان با ورودشان به فضای عمومی اتفاق می‌افتد.

دکتر فصیحی: مسأله‌ی زنان را باید در بستر تاریخی زمان

میتینگ راه می‌اندازد، نامه جمع می‌کند و مواردی از این قبیل. مطالبات زنان در این حرکت‌ها، بیشتر بر آموزش و تحصیلات تکیه دارد و بعدها جنبه‌ی سیاسی هم پیدا می‌کند و زنان طلب حق رأی می‌کنند.

تا سال ۱۳۱۱ که *انجمن نسوان وطن‌خواه* تعطیل می‌شود، می‌توان به این فعالیت‌ها نام جنبش داد. اما پس از تعطیلی این انجمن و تشکیل *کانون بانوان* از سوی دولت و با نظارت دولت، جنبش مستقل زنان در این دوره از بین می‌رود.

دکتر اتحادیه: البته باید توجه داشت که این افت مختص جنبش‌های زنان نیست؛ جنبش مشروطیت هم افول پیدا کرد؛ اما پس از شروع جنگ جهانی اول، مسائل تغییر می‌کنند. در این زمان، حرکت‌های اجتماعی به حرکت‌های ضداستعماری در مواجهه با آلمان و ترکیه، یا انگلستان و روسیه معطوف می‌شود و مطالبات داخلی و اجتماعی برای مدتی، در حاشیه قرار می‌گیرد. آن شور اولیه‌ی انقلابی دوران مشروطیت، هم در مردان وجود داشت و هم در زنان؛ ولی در دوره‌های بعد در همه‌ی گروه‌ها فروکش کرد و این امر پس از تعطیلی مجلس دوم و مسائل پس از آن طبیعی بود. دوره‌ی رضاشاه مبحث جدایی است. کانون بانوان بسیار فعال است؛ ولی چون نهادی دولتی است و از سوی دولت هم نظارت می‌شود، چندان با خواسته‌های واقعی زنان هم‌سو نیست و جنبش هم محسوب نمی‌شود. پس از انقلاب مشروطیت تا زمان ملی شدن صنعت نفت، زنان نیز تحرک اجتماعی چشمگیری ندارند.

زنان بسیاری به حقوق و مسائل خود آگاه بودند. مانند خانم **شهنواز آزاد** در شیراز، یا خانم **دولت‌آبادی** و **اسکندری** در تهران. اما من گمان می‌کنم باید مسائل زنان و مردان با هم دیده و مطالعه شود. مگر در دوره‌ی رضاخان، مردان چقدر فعال بودند یا امکان ابراز حقوق و مطالبات خود را داشتند؟ در این دوره، دولت برای زنان مدارس خاص تأسیس کرد، زنان توانستند وارد دانشگاه شوند، سازمان‌های بهداشتی برای زنان به وجود آمد، ولی هیچ‌یک مطالبات سیاسی و اجتماعی خاص آنان نبود. هم‌چنان که مردان

**دکتر عاملی: نقطه‌ی شروع نوشته‌های زنان،
شرح حال نویسی است.
بعد نامه‌ها و سفرنامه‌ها. همه‌ی این نوشته‌ها
در حقیقت هسته‌ی اولیه‌ی داستان‌نویسی زنان ایرانی هستند**

روشنفکر رشد یافته‌اند. یعنی مردان این خانواده‌ها، اغلب خود از فعالان اجتماعی یا سیاسی بوده‌اند.

کتاب ماه: همان‌طور که دکتر فصیحی فرمودند، بحث تاریخ زنان را باید در بستر تاریخی خود دید. در بخش دوم گفت‌وگوی امروز به شیوه‌های تاریخ‌نگاری زنان خواهیم پرداخت، اما با تکیه بر اسناد و منابعی که در دست داریم. ابتدا از خانم دکتر اتحادیه خواهش می‌کنیم، در مورد منابع و اسناد موجود توضیحاتی بفرمایند.

دکتر اتحادیه: خانم **لیندا مارتین** در کتابی که درباره‌ی زندگی‌نامه‌ها نوشته است، به نکته‌ی جالب‌توجهی اشاره می‌کند. وی می‌گوید وقتی در مورد مردان می‌نویسیم، اغلب از فعالیت‌های اجتماعی، کارهای بزرگ و موفقیت‌های آنان می‌گوییم. اما در مورد زنان چه چیزی می‌توان نوشت؟ زنان چه موفقیت‌هایی داشته‌اند؟ از زنی که در خانه می‌نشست و بچه‌داری و خانه‌داری می‌کرد، چه انتظاری می‌توان داشت که به موفقیت‌های اجتماعی یا سیاسی دست پیدا کند؟ در مورد این زنان چه چیز خاصی می‌توان نوشت؟ به همین دلیل است که تاریخ‌نگاری زنان تفاوت پیدا می‌کند و شاید به متد و روش ویژه‌ای نیاز داشته باشد. چراکه معیارهای تاریخ‌نگاری زنان با معیارهای تاریخ‌نگاری عمومی جامعه تفاوت دارد. همان‌طور که این تفاوت‌ها در نثر و سبک نوشتن و مضامین نوشته‌های ایشان مشاهده می‌شود.

البته زنان همیشه در جامعه حضور داشته‌اند؛ ولی در منابع از آنان چندان سخنی به میان نیامده است. من معتقدم اگر دوباره به منابع رجوع کنیم و آن‌ها را بازخوانی کنیم، حتماً به ردپای زنان برخورد خواهیم کرد. در مورد زنان یکی از مسائل مهم این است که زنان به طور مشخص نام برده نمی‌شوند. یعنی حتی نام کوچک زنان فعال هم مشخص نیست. مگر این که زنان بسیار استثنایی بوده باشند. حتی در سفرنامه‌ها، زنان حضور ندارند. سفرنامه

دید. باید به آن چارچوب زمانی و مکانی توجه داشت و بعد قضاوت کرد که زنان چه کرده‌اند و چه می‌توانستند بکنند. بعضی شرایط بین‌المللی و داخلی را باید در نظر گرفت. به طور مثال، زنان آمریکا در ۱۹۲۰ حق رأی به دست آوردند، ولی حق رأی زنان ایران در مجلس دوم (۱۹۰۶) طرح شد، هرچند به نتیجه نرسید، ولی طرح آن مسأله‌ی مهمی بود. گذشته از این که چنین مطالباتی تنها به زنان باسواد و روشنفکر محدود می‌شد. در جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش تنباکو یا مشروطه، زنان توده هم حضور دارند؛ ولی پس از پایان جنبش به اندرونی‌ها بازمی‌گردند و تنها چند تن از زنان تحصیل کرده به مطالبات حقوقی زنان ادامه می‌دهند و باید این را هم ذکر کرد که این زنان بیشتر در خانواده‌های باسواد و



دکتر اتحادیه: زنان همیشه در جامعه حضور داشته‌اند؛ ولی در منابع از آنان چندان سخنی به میان نیامده است. من معتقدم اگر دوباره به منابع رجوع کنیم و آن‌ها را بازخوانی کنیم، حتماً به ردپای زنان بر خواهیم خورد.

پردازند، معتقدند که این غفلت را باید تصحیح کرد و در تعریف خاص تاریخ به عنوان تجربه نخبگان مرد باید بازنگری صورت گیرد. اگر تاریخ شرح تجربه‌ی بشری است، و بشر مرکب از زن و مرد، پس باید تجربه‌ی تاریخی هر دو ثبت شود. تاریخ‌نگاری زنان به نقد غیبت زنان از تاریخ می‌پردازد و از طریق حفاری فرهنگی به گزارش این نیمه فراموش شده می‌پردازد. واژه‌ی حفاری فرهنگی به قلت منابع در مورد زنان اشاره دارد. ولی البته به این معنا نیست که بگوییم که به دلیل عدم وجود منابع مکفی، تاریخ‌نگاری زنان به جایی نخواهد رسید. اگر همان‌طور که خانم دکتر اتحادیه فرمودند، جست‌وجو کنیم، این منابع پیدا می‌شوند. ضمن این که اگر با رویکرد جدید به همان منابع گذشته هم رجوع کنیم، می‌توان به موارد زیادی دست یافت و تاریخ زنان را احیا کرد. نمونه‌ی خوب این بازنگری و بازخوانی منابع، کار خانم افسانه نجم‌آبادی در مورد دختران قوچان است. وی منبع جدیدی پیدا نکرده است و همان منابع گذشته را با رویکردی جدید بازخوانی کرده است. وی با نگاهی زنورانه به

مختص مردان است و معلوم نیست که فلان مرد، مادر، دختر یا همسرش کیست یا حتی دختر او با چه کسی ازدواج کرد؟ از این منظر، فقر فراوان در منابع داریم. با این همه، من معتقدم در منابعی که اصلاً انتظار نداریم هم می‌توان ردپای زنان را جست‌وجو کرد. مثلاً برخی عریضه‌هایی که به ناصرالدین شاه نوشته شده، یا از زنان است یا در مورد زنان یا در قراردادها و معاملات حقوقی و تجاری. در دعواهای فامیلی، در راپورت‌های پلیس دوران ناصرالدین شاه می‌توان به موارد بسیاری برخورد. اما منابع مهم‌تر، وصیت‌نامه‌ها، عقدنامه‌ها و وقف‌نامه‌ها هستند. به‌ویژه در نامه‌های زنان به موارد جالب توجهی از روحيات و نگرانی‌های زنان برمی‌خوریم. مثلاً از نگرانی مادری برای تهیه جهیزیه و یا مراسم ازدواج دخترش و مانند این‌ها.

بنابراین باید یک بار دیگر آرشیوهای رسمی و خانوادگی را در جست‌وجوی منابع گشت و یک بار دیگر هم منابع موجود را بازخوانی کرد تا به مدارک و اطلاعات تازه دست یافت.

دکتر فصیحی: من به یک مسأله اشاره می‌کنم و آن این که در تاریخ‌نگاری زنان، هم تغییر در موضوع داریم، هم تغییر در منابع و هم تغییر در رویکرد. روندی که در تاریخ‌نگاری جدید اتفاق افتاده است، به یک شعبه‌ی تازه از تاریخ‌نگاری منجر شده است که همان تاریخ‌نگاری زنان باشد. زمانی که به زنان به عنوان موضوع تاریخ توجه می‌کنیم، یعنی تغییر در موضوع تاریخ. قبل از این و در تاریخ‌های سنتی ما تنها فعالیت‌های مردان گزارش شده است و از بین مردان نیز نخبگان سیاسی گزینش شده‌اند.

تغییر بعدی در روش و رویکرد است. آن چه تاریخ‌نگاری زنان بر آن تأکید دارد، مسأله‌ی جنسیت است. یعنی وارد کردن جنسیت در مطالعه‌ی تاریخ و نقد کورجنسی تاریخ‌نگاری‌های دیگر. یعنی در تواریخ گذشته، تنها فعالیت‌های مردان ثبت شده و زنان یا اصلاً دیده نشده‌اند و یا بسیار کم مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ در حالی که مورخانی که به تاریخ‌نگاری زنان می‌

دکتر عاملی: در سبک نوشتاری زنان،

از دوره‌ی ناصری تا دوره‌ی مشروطه

تحولی در سبک نوشتاری ایشان به وجود آمد

در دوره‌ی ناصری به علت خصوصی بودن نوشته‌ها

و وارد نشدنشان به عرصه‌ی عمومی،

نوشته‌ها بیشتر توصیفی و شرح عواطف و احساسات هستند



این منابع می‌نگرد. به همین علت است که اگر تاریخ زنان را زنان، خود، بنویسند، شاید بهتر باشد چرا که در تاریخ‌نگاری مردانه، زن هم‌چنان «ابژه»، «موضوع» و «دیگری» است و تنها در تاریخ‌نگاری زنان درباره‌ی زنان است که رابطه‌ی سوژه و ابژه، از یک رابطه‌ی بیرونی به یک رابطه‌ی درونی استحاله می‌یابد. در منابع تاریخی ما، در علل و اسباب مشروطیت به چوب زدن تجار، کشته شدن عبدالحمید و مسائل دیگر اشاره شده است، ولی به دختران فوجان که آن تنفر شدید را از استبداد موجب شد، اشاره نشده است در حالی که به گفته‌ی خانم نجم‌آبادی، این حادثه بخشی از مفاهیم نظم نو سیاسی مثل صدای مجلس به عنوان صدای ملت یا بحث تساوی گدا و شاه در مقابل قانون و ماهیت مسئولیت‌های وزارت در برابر مجلس و... را شکل داد.

کتاب ماه: در مورد منابع زنان به نظرم چیزی که از قلم افتاد شرح‌حال‌های زنان بود. به هر حال زنانی بودند که زندگی‌نامه و یا سفرنامه نوشته‌اند. و مضامین این شرح‌حال‌ها می‌تواند جالب و قابل استفاده‌ی فراوان در تاریخ‌نگاری زنان باشد. خانم دکتر اتحادیه اگر در این مورد توضیحی دارید، بفرمایید.

دکتر اتحادیه: البته شرح‌حال‌های زنان بسیار معدود هستند. شرح‌حال‌های مردان ما هم بیشتر سیاسی و غالباً تقلیدی از غرب است. من خود در حال نوشتن زندگی‌نامه‌ی مادر دکتر محمد مصدق، عزیزالسلطنه، هستم. از این زن که سواد بسیار متوسطی هم دارد، ۱۵ نامه باقی مانده است. با این که این زن شخصیت بانفوذی دارد، اما نمی‌توان چندان درباره‌ی او نوشت، جز این که مادر دکتر مصدق است، خواهر فرمانفرماست، بیمارستان موقوفه‌ی نجمیه را بنا نهاده، خانه‌دار بوده و بچه‌ها را بدون پدر بزرگ کرده است؛ ولی دیگر موضوع جالب توجه و یا بدیعی در زندگی وی

وجود ندارد. و برای نوشتن زندگی وی باید از زندگی برادر، پسر و پسربرادرش استفاده کنیم.

محظوظ دیگری که در نامه‌ها و شرح‌حال‌های زنان دیده می‌شود این است که زن نمی‌تواند مانند مرد خود را معرفی و مطرح کند و بسیاری مسائل را باید کتمان کند. البته این امری فرهنگی است.

حتی در مورد زنان بسیار شاخصی مانند محترم اسکندری هم شاید نتوان بیش از یک پاراگراف نوشت. اما مورخ باید همیشه در جست‌وجوی منابع تازه باشد.

مسئله دیگر در مورد شرح‌حال‌ها این است که بسیاری آن را تاریخ نمی‌دانند و بیشتر باید در مسائل اجتماعی دنبال ردپای زنان گشت. مثلاً اولین مدرسه‌های دخترانه مدیر و معلم داشته‌اند. آیا کسی تاکنون به این زندگی این معلمان و مدیران یا اقداماتی که انجام داده‌اند، پرداخته است؟ هرچه به این موارد بیشتر توجه کنیم، حتماً منابع بیشتری خواهیم یافت.

کتاب ماه: اما مسأله فقط یافتن منابع نیست، روش نگارش هم

دکتر فصیحی: مفهوم جنس اولین بار توسط ژان کلی و نیز مورخ دیگری به نام ناتالی زمون دیویس در آمریکا مطرح شد و سپس توسط مورخین دیگر در کنار مقوله‌ی نژاد و اقلیت‌ها، وارد تحلیل تاریخی شد.

دکتر عاملی: یک تفاوت مهم دیگر بین دوره‌ی مشروطه و دوره‌ی ناصری، تعلق نویسندگان زن دوره‌ی ناصری به طبقه‌ی اشراف است. ولی در دوره‌ی مشروطه زنان طبقه متوسط هم به سواد و نوشتن دست می‌یابند و به نیازهای زنان به طور عام توجه می‌کنند.



مهم است. خانم دکتر فصیحی جنابعالی در بخش اول سخنانیتان به تاریخچه‌ی تاریخ‌نگاری زنان اشاره‌ی کوتاهی فرمودید. لطفاً در مورد تاریخ‌نگاری زنان در جهان و ایران توضیحات بیشتری بدهید و در مورد روش‌های تاریخ‌نگاری زنان چه نظری دارید؟

دکتر فصیحی: تاریخ‌نگاری زنان در دنیا، خیلی وقت است که آغاز شده و تأثیرات آن به ما هم رسیده است. از دهه‌های ۱۹۶۰ بود که مسأله‌ی زنان و واقعیات زندگی گذشته‌ی آن‌ها در مرکز توجه‌ی جدی قرار گرفت در همین مدت، مورخان غربی، از دوره‌ی باستان تاکنون اروپا، اسناد و مدارک فراوانی جمع‌آوری کرده‌اند. مثلاً مدارکی از همسران امپراطوران دوره‌ی باستان. تلاش‌های آنان در این راستا، مجموعه‌ای از مقالات، آمارها و تک‌نگاری‌ها را شامل می‌شد که به احیای تاریخ زنان یاری رساند. این مورخان رویکردها و روش‌های جدیدی به کار برده‌اند. این نوع تاریخ‌نگاری در حقیقت نقد تاریخ‌نگاری سنتی بود. گرچه قبل از تاریخ‌نگاری زنان هم نقد تاریخ‌نگاری سنتی را در مکانی‌هایی مانند آنال، در کار جمعیت‌شناسان فرانسوی و انگلیسی، در آثار

بازنگرش‌گرها، گروهی که هم منابع را بازنگری کردند و هم شیوه‌ها را و هم این که به زندگی طبقه‌ی فرودست پرداختند و نیز در کار مارکسیست‌ها که تحلیل تاریخ را با رویکرد اقتصاد سیاسی به عهده گرفتند و روش‌ها و مضامین تازه‌ای در تاریخ به وجود آوردند، داشته‌ایم. مورخین فمینیست این نگاه‌های جدید را برای موضوعات خود به کار گرفتند. به طور مثال از چارچوب نظری مارکسیسم برای توضیح استثمار و ستم استفاده کردند و آن را الگویی برای فهم تجربه‌ی زنان قرار دادند. در این چارچوب نظری، سرمایه‌داری خصوصی را منشأ ستم به زن می‌شمردند و یا سرمایه‌داری صنعتی را با تفکیک جنسیتی و قرار دادن زنان در رده‌ی دوم از نظر کار و کم بودن حقوق و دستمزد، عامل ستم به زن دانستند. البته در انتها به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری مارکسیسم نیز مردانه است. فرضیات و تعاریف مربوط به سیستم مارکسیستی، هیچ پیش‌بینی‌ای برای کار بی‌مزدی که زندگی روزانه‌ی زنان را پر می‌کند، ارائه نمی‌دهد. منشأ ستم به زن، تنها شرایط اقتصادی و تاریخی نبود. صور ستم دیگری نیز غیر از مالکیت خصوصی و طبقه وجود داشت. بنابراین مورخین به رویکرد جدیدی نیاز داشتند تا بتوانند به این سؤالات اساسی در تاریخ زنان پاسخ دهد که این سیستم نابرابری از چه زمانی آغاز شد؟ خاستگاه انقیاد آنان کجا بود و چرا تا دوره‌ی اخیر هم چنان ادامه یافته است؟ اگر تاریخ را زنان می‌نوشتند چه اتفاقی می‌افتاد؟ این بود که به مطالعه جنسیت و تأثیر آن در تاریخ توجه کردند. مفهوم جنس اولین بار توسط ژان کلی و نیز مورخ دیگری به نام ناتالی زمون دیویس در آمریکا مطرح شد و سپس توسط مورخین دیگر در کنار مقوله‌ی نژاد و اقلیت‌ها، وارد تحلیل تاریخی شد. تاریخ جدید عمدتاً روی تغییر ماهیت

**دکتر اتحادیه: تاریخ‌نگاری زنان تفاوت پیدا دارد
 و شاید به متد و روش ویژه‌ای نیاز داشته باشد.
 چراکه معیارهای تاریخ‌نگاری زنان
 با معیارهای تاریخ‌نگاری عمومی جامعه تفاوت دارد
 همان‌طور که این تفاوت‌ها در نثر و سبک نوشتن
 و مضامین نوشته‌های ایشان مشاهده می‌شود**

دکتر اتحادیه: حتی اگر به این نگارش‌های جدید نتوان عنوان تاریخ‌نگاری زنان اطلاق کرد، می‌تواند موقعیت زنان را در یک دوره‌ی تاریخی مشخص کند. حتی اگر قوانین دوره‌های مختلف را بخوانید می‌بینید در مورد زنان موارد بسیاری هست. گاه در قانون اختیاراتی به زنان داده شده است که خود زنان از آن آگاه نبوده‌اند و شاید خانواده مانع آگاهی ایشان بدان می‌شده است به آن آگاه شوند. مثلاً در حقوق اسلامی، زن حق انجام همه‌گونه معاملات تجاری را دارد. می‌تواند خرید و فروش کند، قرض کند و قرض بدهد، اجاره بدهد و اجاره کند و دیگر مسائل مالی و اقتصادی. و در آن‌ها فرقی با مرد ندارد. ولی ممکن است شوهر یا پدر فلان زن اجازه ندهد که او ملک خود را اجاره دهد یا بفروشد. اما در حقوق فردی و خانوادگی، قانون هم محدودیت‌هایی برای او قائل شده است.

کتاب ماه: پس زن از تاریخ و منابع حذف نشده است. ولی چون مورخین مرد بوده‌اند، به زن توجه نشده است. اکنون در مورد تاریخ زنان در ایران چه کارهایی انجام شده است؟

دکتر فصیحی: کارهایی در حوزه‌های مختلف حقوقی - اجتماعی در مورد زنان انجام شده است اما در حوزه‌ی تاریخ به نسبت زمینه‌های دیگر کار کمتری صورت گرفته است. در داخل کشور، بررسی و مطالعات تاریخی در حال انجام هستند. برخی از نتایج آن را به صورت چاپ‌خاطرات، اسناد، کشف منابع تازه و نگارش شرح‌حال‌ها می‌بینیم؛ اما این‌ها بیشتر جنبه‌ی توصیفی دارد، کتاب یا تحقیق آکادمیکی که تحلیلی باشد و با مقوله‌ی نقش جنس در تاریخ به تاریخ‌نگاری زنان پرداخته باشد، بسیار اندک است. کارهای فعلی بیشتر از نوع جمع‌آوری اسناد و مدارک است که از لوازم اصلی تاریخ‌نگاری زنان محسوب می‌شود و

روابط بین جنس‌ها تمرکز می‌کرد. بنابراین آن‌ها دوگانگی‌هایی را که در تفکر سنتی در مناسبات جنسیتی وجود داشت، عمیقاً به چالش کشیدند. از جمله دوگانگی بین طبیعت و تربیت یا طبیعت و فرهنگ، دوگانگی بین کار و خانواده و دوگانگی بین حوزه‌ی خصوصی و حوزه‌ی عمومی. این مورخین این نکته را دریافتند که در طول تاریخ بوده - اندکسانی، چه مرد و چه زن که به خاطر مذهب یا رنگ پوست یا نژاد از تاریخ حذف شده است؛ اما هیچ مردی به خاطر جنسش یعنی مرد بودنش از تاریخ حذف نشده است، در حالی که در مورد زنان این اتفاق افتاده است.

کتاب ماه: به زنان توجه نشده است یا حذف شده‌اند؟

دکتر فصیحی: نه حذف شده‌اند. بسیاری از موارد را ننوشته - اند و یا بسیار سریع از آن گذشته‌اند. چون وظایف زن را تنها در حوزه‌ی خانه می‌دانستند، اصلاً ارزش تحقیق برای او قائل نشده‌اند.

کتاب ماه: پس در واقع به زنان توجه نشده. نه این که چیزی وجود داشته باشد و حذف شده باشد.

دکتر فصیحی: ولی در این زمان که زنان شروع به نوشتن کرده‌اند، امید است که به موارد بیشتری از تاریخ زنان دست پیدا کنیم. این مورخین از طریق بررسی نامه‌های خصوصی زنان، نامه‌هایی که به روزنامه‌ها نوشته‌اند، شرح حال‌ها، اسنادی مانند عقدنامه‌ها و وقف‌نامه‌ها و اسناد معاملاتی و تجاری، سعی می‌کنند به نکات بیشتر و تازه‌تری دست پیدا کنند. این تاریخ‌نگاری هم در موضوع، هم در روش و هم در رویکرد جدید است.



در نوع خود بارزش است. در خارج از کشور اما کارهای تحلیلی صورت گرفته است. مثلاً خانم **افسانه نجم‌آبادی**، خانم **میلانی**، آقای **توکلی طرقي** و کسان دیگری، کارهای بارزשי انجام داده‌اند. در داخل کشور، هنوز بیشتر مشغول جمع‌آوری اسناد و مدارک هستیم که به مقادیر قابل توجهی از این اسناد هم دست پیدا کرده‌ایم.

دکتر اتحادیه: به این هم توجه داشته باشید که مورخان زن ما از انگلستان دست هم تجاوز نمی‌کنند. ولی اکنون جوانان بیشتر به این مقولات می‌پردازند. و انجمن‌هایی مانند انجمن زنان پژوهشگران تاریخ در حال بررسی و پژوهش هستند و چندین همایش تاکنون برگزار کرده‌اند.

کتاب ماه: اما از آن‌جا که توجه به تاریخ زنان، سابقه‌ای چندانی ندارد، مبحث مهم و قابل توجه دیگر بررسی نوشته‌های زنان است. نوشته‌های رسمی و جدی زنان از دوران مشروطه آغاز می‌شود. تا قبل از آن، حتی از زنان روشنفکر و تحصیل کرده یا اشراف‌زاده هم، کمتر نوشته‌های رسمی به دست آمده است. به همین علت در این بخش بحث، به بررسی نوشته‌های زنان در دوران مشروطه و پهلوی اول از دو منظر ویژگی‌های نوشتاری زنان و مضامین مورد توجه زنان می‌پردازیم. خانم دکتر اتحادیه در موردی از سفرنامه‌ها صحبت کردید. اگر ممکن است اشاره‌ای به این مورد داشته باشیم تا بعد در مورد دو منظر مذکور در خدمت دکتر عاملی باشیم.

دکتر اتحادیه: یک سفرنامه از دوره‌ی ناصرالدین شاه از یک خانم در دست است که هویت او چندان هم مشخص نیست. ولی سفرنامه او بسیار جالب است. این خانم اهل کرمان بوده است و

دکتر فصیحی: مورخین به رویکرد جدیدی نیاز داشتند تا بتواند به این سوالات اساسی در تاریخ زنان پاسخ دهد که این سیستم نابرابری از چه زمانی آغاز شد؟

شرح سفر خود را به حج می‌نویسد. وی از کرمان به هند و از مسیر هند به حج و بعد عتبات عالیات می‌رود و سپس وارد تهران می‌شود. او در تهران یک سال ماندگار می‌شود و با دربار ناصرالدین شاه هم رفت‌وآمد دارد. نکته‌های جالبی در سفرنامه‌ی او دیده می‌شود که در سفرنامه‌ی هیچ مردی دیده نشده است. مثلاً توصیف بسیار جالبی از عروسی **اعتضاد السلطنه** دارد. هدایا، تدارکات و جزئیات عروسی را خاطر نشان می‌کند. قبل از آن فقط توصیفی از عروسی **تاج السلطنه**، دختر ناصرالدین شاه، به قلم خود او داریم. یا مثلاً در سفر به حج می‌نویسد که آب را در مشک می‌آورند و ما همه نجس و کثیف هستیم. در هیچ‌یک از سفرنامه‌های مردان به مسائل بهداشتی توجه نشده است. و این یک دیدگاه کاملاً زنانه است. این سفرنامه بسیار استثنایی است. البته این زن کم‌سواد هم هست و گاه نوشته‌هایش چندان مفهوم نیست. البته تاج السلطنه هم انشای خوبی ندارد و گاه مفهوم نمی‌نویسد. در این سفرنامه نکته‌های اجتماعی جالبی از زندگی زنان مانند مراسم شیرینی‌پزی یا دوختن لباس توسط زنان دیده می‌شود.

کتاب ماه: خانم دکتر عاملی لطفاً در مورد ویژگی‌ها و مضامین نوشته‌های زنان بفرمایید.

سفرنامه‌ها، نام همه‌ی زنان با القاب و عناوینشان آمده است. تا آخر دوره‌ی ناصری، زنان فقط با اسم مستعار خوانده می‌شوند، ولی در این سفرنامه‌ها نام و القاب آن‌ها موجود است.

در نامه‌های به‌دست آمده هم، مانند نامه‌های **مه‌د علیا** یا **زنان ناصرالدین شاه**، همین وجه توصیفی غالب است، به طوری که می‌توان یک پاراگراف آن را به‌مثابه یک داستان کوتاه در نظر گرفت. پس از این دوره، در دوره‌ی انقلاب مشروطیت، شاهد تألیف مقالات از سوی زنان هستیم که دیگر وجه توصیفی ندارد. و در عرصه‌ی عمومی روزنامه‌ها و مجلات مطرح شده است. تا قبل از این نوشته‌های زنان مختص مجامع خصوصی و محافل زنانه بود. اما در سبک نوشتاری زنان، از دوره‌ی ناصری تا دوره‌ی مشروطه تحولی در سبک نوشتاری ایشان به وجود آمد. در دوره‌ی ناصری به علت خصوصی بودن نوشته‌ها و وارد نشدنشان به عرصه‌ی عمومی، نوشته‌ها بیشتر توصیفی و شرح عواطف و احساسات هستند. به علت کم‌تجربگی در نوشتن، غلط‌های املائی و انشایی در نوشته‌های زنان این دوره زیاد است. از ترکیبات و اصطلاحات عامیانه بسیار استفاده می‌کرده‌اند و نثرشان به ادبیات گفتاری بیشتر نزدیک است تا نوشتاری. صراحت و بی‌پروایی زیادی در این نوشته‌ها دیده می‌شود که نشان‌دهنده‌ی تعلق این نوشته‌ها به حیطه‌ی خصوصی است.

اما در دوره‌ی مشروطه، با وجود فاصله‌ی زمانی کم، به علت وارد شدن به حیطه‌ی عمومی و اجتماعی، تغییرات فاحش در سبک و زبان نوشته‌های زنان دیده می‌شود. از این زمان به بعد نوشته‌های آنان بیشتر شکل تحلیل و استدلال می‌گیرد و زبان پاکیزه می‌شود. در نامه‌هایی که زنان به روزنامه‌های عهد مشروطه نوشته‌اند، برای به دست آوردن حق آموزش و تربیت و تعلیم استدلال می‌کنند و برای زیاتر کردن کلام، از اشعار و احادیث شاهد می‌آورند. یک ویژگی نوشته‌های زنان در دوره‌ی مشروطه استفاده از ضمیر و فعل مخاطب (دوم شخص) است. گویی خواننده را به متن می‌کشاند. بیشتر نامه‌های ایشان چنین شروع می‌شود: *ای برادرانی که خون خود را ریخته‌اید و مشروطیت را حاصل کرده‌اید...* در این دوره، غلط‌های املائی و انشایی زنان به مقدار چشمگیری کاهش پیدا می‌کند. هم‌چنین مانند نوشته‌های مردان، به پارسی‌نویسی هم توجه می‌شود. عفت کلام در این نوشته‌ها کاملاً رعایت می‌شود و نوعی پرده‌پوشی در کلام آنان دیده می‌شود که حاصل ورود به حوزه‌ی آمیختگی زن و مرد در اجتماع است.

اما در مورد مضامین این نوشته‌ها: برخی مضامین بین زنان و مردان مشترک است ولی برخی دیگر تنها به زنان اختصاص دارد. به طور مثال، در دوره‌ی مشروطه مضامین مشترک بیشتر است. در روزنامه‌های این دوره هم توجه به ارتقای سطح اجتماعی زنان زیاد



دکتر عاملی: نقطه‌ی شروع نوشته‌های زنان، شرح حال نویسی است. بعد نامه‌ها و سفرنامه‌ها. همه‌ی این نوشته‌ها در حقیقت هسته‌ی اولیه‌ی داستان‌نویسی زنان ایرانی هستند.

در نوشته‌های اولیه‌ی زنان، وجه توصیفی غالب است. یعنی انگار دارند داستانی را شرح می‌دهند. هر سه سفرنامه‌ای که از دوره‌ی قاجار از زنان به دست ما رسیده است، در مورد شرکت در مراسم عروسی در یک شهر دیگر است و بخش اعظم آن‌ها را توصیفات مراسم و تدارکات تشکیل می‌دهد. نکته‌ی جالب توجه دیگر این است که نرخ همه‌ی اجناس مصرفی را هم ذکر می‌کنند و از مسائل بهداشتی می‌گویند. مسأله‌ی مهم دیگر، القاب و عناوین زنان است که در اسناد رسمی موجود نیست، ولی در این

دکتر فصیحی: زمانی که به زنان به عنوان موضوع تاریخ توجه می‌کنیم، یعنی تغییر در موضوع تاریخ. قبل از این و در تاریخ‌های سنتی ما تنها فعالیت‌های مردان گزارش شده است و از بین مردان نیز نخبگان سیاسی گزینش شده‌اند.

است و حتی شاعران مرد حتماً سروده‌ای در مورد زنان دارند. مسأله‌ی مهم دیگر همراهی مردان مشروطه‌خواه با زنان برای احقاق حقوق ایشان است؛ بدون این همراهی کوشش زنان به ثمر نمی‌رسید. مضامین مشترک بین زنان و مردان در روزنامه‌های عصر مشروطه موارد زیر است: ۱- وضعیت نامطلوب زن در خانه و خانواده ۲- سوادآموزی زنان (البته توجه به سواد زنان برای تربیت بهتر فرزندان و نه ورود به امور اجتماعی و بازار کار) ۳- اخبار پیشرفت زنان در دیگر کشورها ۴- تأثیر عدم پیشرفت زنان بر عدم پیشرفت ایران و جایگاه آن در میان دیگر ممالک می‌توان چنین گفت که در این دوره قصد این است که جایگاه زن در خانه، بدون ورود وی به عرصه‌ی اجتماع یا بازار کار، وضعیت بهتر و مناسب‌تری بیابد. اما مضامین خاص زنان: ۱- تأسیس مدارس دخترانه ۲- بهداشت خانواده یا حفظ‌الصحه زنان و کودکان ۳- مبارزه با خرافات ۴- توجه به حفظ حجاب و تأکید بر رعایت حدود روابط مرد و زن از دیگر مضامین نوشته‌های زنان در روزنامه‌های عصر مشروطه است. مسأله‌ی اجتماعی که زنان در آن دوره بسیار از آن حمایت کردند، حمایت از منسوجات داخلی و عدم استفاده از پارچه‌های وارداتی بود. می‌توان گفت در این دوره، روزنامه‌های زنان پایه‌گذار مسائل فردی و خانوادگی بوده‌اند. تا قبل از تأسیس روزنامه‌های زنان، چیزی در مورد روابط زن و شوهر، مادر و فرزند و رفتار در خانواده و مسائلی از این دست نمی‌بینیم. زنان در این روزنامه‌ها، رفتار انقلابی نداشتند، بلکه با حفظ سنت‌ها، خواستار اصلاحات گام‌به‌گام در روابط خانوادگی و معضلاتی مانند چندهمسری بودند. یک تفاوت مهم دیگر بین دوره‌ی مشروطه و دوره‌ی ناصری، تعلق نویسندگان زن دوره‌ی ناصری به طبقه‌ی اشراف است. ولی در دوره‌ی مشروطه زنان طبقه متوسط هم به سواد و نوشتن دست می‌یابند و به نیازهای زنان به طور عام توجه می‌کنند. در حقیقت می‌توان تحول ادبیات زنان را مانند تحول اجتماعی آنان دانست. همچنان که زنان از حرمسراها خارج شدند و به اجتماع راه یافتند، نثر ایشان هم از حیطة‌ی دربار و حرمسرا خارج شد و وارد حیطة‌ی عامه‌ی مردم شد.

واژه برای شیوه‌ی نگارش زنان در این دوره به کار ببریم، می‌توان آن را پاکیزه و مؤدبانه خواند. چنان که حتی وقتی انتقادی از مردان می‌شود با کلماتی مثل برادران غیور وطن توأم است که جنبه‌ی تحقیر و تخریب پیدا نکند. از نظر مضمون هم مترقی است. در تاریخ‌نگاری زنان در دنیا ۳ مضمون عمده بحث می‌شود: دوگانگی بین فرهنگ و طبیعت، دوگانگی بین کار و خانواده و دوگانگی بین حوزه‌ی عمومی و حوزه‌ی خصوصی. جالب این است که این سه مضمون، با توجه به توضیحات خانم دکتر عاملی، در نوشته‌های زنان عصر مشروطه هم به چشم می‌خورد.

کتاب ماه: می‌دانیم که در تاریخ‌نگاری زنان، هنوز در گام-های اول هستیم. در پایان جلسه اگر در مورد بهبود و پیشرفت تاریخ‌نگاری زنان صحبتی دارید بفرمایید.

دکتر اتحادیه: این نکاتی که دکتر عاملی مطرح کردند، نشان می‌دهد که از همان منابعی که بارها و بارها خوانده شده، باز هم می‌توان مطالب جدیدی در مورد زنان پیدا کرد. در روزنامه‌های این دوره می‌توان به موارد بسیار برخورد. چه در مقالات و چه در اخبار و آگهی‌ها. بنابراین من باز هم علاوه بر جست‌وجوی منابع جدید، به بازخوانی منابع گذشته تأکید می‌کنم.

دکتر فصیحی: بارها مطرح کرده‌ایم که در دانشگاه‌ها دو واحد به تاریخ‌نگاری زنان اختصاص دهند. چون دانشگاه مرکزی است که می‌تواند و باید به کشف اسناد، منابع تازه و استفاده از رویکردهای جدید در تحلیل تاریخ کمک کند. دانشجویان علاقه-مند می‌توانند به تحقیق در این موارد بپردازند و ادبیاتی در این زمینه شکل بگیرد. ما رشته‌های مطالعات زنان در دانشگاه‌های مختلف داریم؛ ولی این رشته‌ها؛ رویکرد تاریخی ندارند و بیشتر به وضعیت فعلی زنان در زمینه‌های مختلف می‌پردازند. اختصاص دو واحد دانشگاهی به تاریخ‌نگاری زنان، می‌تواند به توسعه‌ی مطالعات تاریخی زنان منجر شود.

کتاب ماه: با تشکر از اساتید محترم و وقتی که در اختیار ما گذاشتند.

دکتر فصیحی: من یک مطلب اضافه کنم. اگر بخواهیم یک

توضیح و اصلاح:

در شماره‌ی ۱۲۵ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (تاریخ علم)؛ عنوان علمی دکتر موسی اکرمی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران درج شده بود. ایشان عضو هیأت علمی (و مدیر گروه فلسفه‌ی علم) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات هستند؛ که بدینوسیله اصلاح می‌گردد.